

## Explaining the Meaning of “Itta al-Forosh” in the Prophetic Traditions (p.b.u.h)

Rasoul Mohammad Jafari<sup>1\*</sup>

Seyyed Hamed Hosseini Khamene<sup>2</sup>

Asghar Hadavi Kashani<sup>3</sup>

### Abstract

of the most important efforts in the field of narrations, which have been emphasized by the infallibles (A.S), is attempting to understand their correct meaning. This is important when the meaning of a narrative is difficult or badly understood. one of the examples of this kind of narrations, is one of the sentences of the Prophet's words (pbuh) that is, “An la yuteann Foroshakom” Which was delivered in the sermon of the Farewell Pilgrimage. Azizah Hibri is one of the activists of the Islamic-Quranic Feminist Theory, has been explained this sentence in the meaning of adultery and the woman's beating in verse 34 of al-Nisaa is only allowed when the woman commits adultery. In this regard, the present study has sought to answer this question by descriptive-analytical method that what are the meaning of “Itta al-Forosh” and “An la yuteann Foroshakom” in the prophet narrations? The findings of the research indicated that the Prophet's speech was based on the well-known behavior among the Arabs, according to this habit, women spoke with foreign men and did not consider it to be unwise. As the veil of verse revealed, women were placed in the veil curtain, and men were forbidden to talk with women. of course, it's not forbidden to speak foreign men and women in the form of conversations and common interactions in society that day, rather, it has probably been talked about with friendship and being infected with sin.

### Keywords

Prophetic traditions, sermon of the Farewell Pilgrimage, Jurisprudence of al-Hadith, Itta al-Forosh.

**Citation:** Mohammad Jafari, R., Hosseini Khamene, H., Hadavi Kashani, A (2021) Explaining the Meaning of “Itta al-Forosh” in the Prophetic Traditions (p.b.u.h). Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith. Vol. 7, No. 2 (Serial. 14), pp.257-275. (In Persian)

1. Responsible Author, Assistant Professor of Department of Quran and Hadith, Shāhed University.  
Email: rasulmohamadjafari@yahoo.com
  2. Assistant Professor of Department of Law and Jurisprudence, Shahed University.  
Email: seyedhamed@chmail.ir
  3. Assistant Professor of Department of Quran and Hadith, Shāhed University.  
Email: hadavika@gmail.com
- Received on: 21/11/2020                      Accepted on: 18/01/2021

## واکوی معنای «ایطاء الفُرُش» در روایات نبوی (ص)

رسول محمد جعفری<sup>۱\*</sup>سیدحامد حسینی خامنه<sup>۲</sup>اصغر هادوی کاشانی<sup>۳</sup>

## چکیده

از مهمترین تلاش‌ها در آستان روایات- که مورد تأکید معصومان (ع) بوده است- کوشش برای فهم معنای صحیح آن‌ها است. این مهم زمانی اهمیت دو چندانی خواهد داشت که معنای روایتی دشوار باشد یا به بد فهمی دچار گردد. نمونه این نوع روایات، یکی از فقرات سخنان پیامبر (ص): «أَنَّ لَا يُوطَّنَ فُرُشَكُمْ» می‌باشد که در خطبه حجة الوداع ایراد گردیده است. عزیزه خبری از فعالان نظریه فمینیسم اسلامی- قرآنی، فقره مذکور را در معنای زنا تبیین کرده است و ضرب زن در آیه ۳۴ سوره نساء را صرفاً زمانی جایز دانسته که زن به زنا دچار شود. از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال برآمده که تحلیل معنای «ایطاء الفُرُش» در «أَنَّ لَا يُوطَّنَ فُرُشَكُمْ» در روایات نبوی (ص) چگونه است؟ یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که سخن پیامبر (ص) ناظر بر رفتاری معروف در میان عرب است، طبق این عادت، زنان با مردان بیگانه سخن می‌گفتند و آن را ناروا نمی‌دانستند. چون آیه حجاب فرود آمد، زنان در پرده حجاب قرار گرفتند و مردان از گفتگو و مجالست با زنان نهی شدند. البته نهی از سخن گفتن زن و مرد بیگانه به شکل گفتگوها و تعاملات رایج و عادی در جامعه آن روز نبوده است بلکه احتمالاً سخن گفتنی همراه با طرح دوستی و آلوده شدن به گناه بوده است.

## کلیدواژه‌ها

روایات نبوی (ص)، خطبه حجة الوداع، فقه الحدیث، «ایطاء الفُرُش».

استناد: محمد جعفری، رسول؛ حسینی خامنه، سیدحامد؛ هادوی کاشانی، اصغر (۱۴۰۰). واکوی

معنای «ایطاء الفُرُش» در روایات نبوی (ص)، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۷ (۲)،

پیاپی ۱۴، صص ۲۵۷-۲۷۵.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول). [rasulmohamadjafari@yahoo.com](mailto:rasulmohamadjafari@yahoo.com).

۲. استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه شاهد. [seyedhamed@chmail.ir](mailto:seyedhamed@chmail.ir)

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد. [hadavika@gmail.com](mailto:hadavika@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۹

## ۱. طرح مسأله

در طول تاریخ اسلام، عالمان مسلمان پس از قرآن بیشترین تلاش علمی خود را مصروف حفظ، تدوین و تبیین روایات معصومان (ع) ساخته‌اند، از همین روی حدیث، همواره چون روحی حیات‌آفرین در کالبد جامعه اسلامی جریان داشته است. تلاش‌ها در آستان روایات با به خاطر سپردن سخنان معصومان (ع) آغازیدن گرفت و سپس به اوراق منتقل گردیدند و آنگاه در جوامع حدیثی در قالب‌های مختلف مدون و میوَب شدند. تلاش‌های سده‌های آغازین اسلامی بیشتر در محور جمع روایات و بدون تأمل و فهم معنای روایات بود. ابن‌عبدالبر (۴۶۳ق) اعتراف کرده است که کوشش‌های محدثان عصر وی غالباً بدون تفقه و تدبر در معانی روایات بوده است (ابن‌عبدالبر، ۱۳۹۸ق، ۲: ۱۲۷)، این در حالی بود که تأکید معصومان (ع) - دست کم برای شیعیان - بر فهم حدیث متمرکز بود.<sup>۱</sup> به هر روی پس از شکل‌گیری مصادر روایی، با توجه به دور شدن از صدر اسلام، تطور و تحول معنایی که برای برخی واژگان و اصطلاحات رخ داد و تحولات فرهنگی و سیاسی گسترده‌ای که در جامعه اسلامی شکل گرفت، دانشیان بر آن شدند تا با تدوین فرهنگ‌های لغوی، کتب غریب‌الحدیث و شروح حدیثی، معنای روایات را آشکار سازند. با وجود تألیف این آثار، همچنان مفاد صحیح برخی روایات پوشیده ماند. این پوشیدگی از عواملی چون عدم واکاوی عمیق، کج‌فهمی‌ها از روایات، پیش‌داوری و تبیین به رأی، نشأت گرفته است.

از جمله نمونه‌های حدیثی، یکی از فقرات سخنان پیامبر (ص) در خطبه حجة‌الوداع است که ناظر بر فقه خانواده و مشتمل بر یکی از وظایف زنان در برابر شوهرانشان است، فقره مورد بحث این جمله رسول خدا (ص) است: «أَنْ لَا يُوْطِنَنَّ فُرْشَكُمْ». اهمیت تبیین این فقره از سویی به دلیل معنای دشوار آن است و از سوی دیگر، تلاش برخی از پژوهشگران معاصر و غربی برای تأمین دیدگاه فمینیستی‌شان است، عزیزه جبری<sup>۲</sup> استاد دانشگاه ریچموند<sup>۳</sup> و از فعالان و مبتکران نظریه فمینیسم اسلامی - قرآنی است. وی با ادله گوناگون کوشیده است، اصل موضوع ضرب زن در آیه ۳۴ سوره نساء را انکار کند یا تبیینی دگرسان از آن ارائه نماید. از جمله ادله وی، استناد به خطبه حجة‌الوداع پیامبر (ص) مطابق با گزارش ترمذی است: «... لَيْسَ تَمْلِكُونَ مِنْهُنَّ شَيْئًا غَيْرَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ

۱. مؤید این ادعا این قبیل روایات است: «أَنْتُمْ أَفْقَهُ النَّاسِ إِذَا عَرَفْتُمْ مَعَانِي كَلَامِنَا» و «حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَزْوِيهِ» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ۱-۲).

2. Aziza Hibri.

3. University of Richmond.

بِأَيِّنَ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ فَإِنْ فَعَلْنَ فَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا أَلَا إِنَّ لَكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ حَقًّا وَلِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ فَلَا يُوْطِئَنَّ فُرُشَكُمْ مَنْ تَكْرَهُونَ، وَ لَا يَأْذَنَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكْرَهُونَ» (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ۳: ۳۰۵)، خبری معتقد است با توجه انعکاس بخشی از آیه ۳۴ سوره نساء در این روایت، مفهوم «نشوز» در روایت تفسیر شده است و دو شرط برای ناشزه شدن و ضرب زن ذکر گردیده است: ۱- آوردن کسی که همسر ناراضی است به فراش او، ۲- ارتکاب فحشاء مبینة (Hibri, 2003, 216) وی با چنین برداشتی، فقره «فَلَا يُوْطِئَنَّ فُرُشَكُمْ» را تنها به معنای ارتکاب زنا دانسته است و ضرب زن در آیه ۳۴ سوره نساء را صرفاً زمانی جایز می‌داند که زن به زنا دچار شود و همه مراحل تربیتی قبل از ضرب نیز بی‌اثر باشد (همان، ۲۱۹-۲۲۰).

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که تحلیل معنای «ایطاء الفُرُش» در روایات نبوی (ص): «أَنْ لَا يُوْطِئَنَّ فُرُشَكُمْ» چگونه است؟ شایان ذکر است که خطبه حجة الوداع را بسیاری از مصادر روایی اهل سنت و احیاناً برخی جوامع حدیثی شیعه نقل کرده‌اند و جملات پیشین و پسین آن در همه گزارش‌ها یکسان نیست و عزیره خبری برای تأمین دیدگاه خود به روایت ترمذی بسنده کرده است، لذا ابتدا تمام اشکال این روایت از مصادر روایی گزارش می‌شود، آن‌گاه با بررسی اعتبار سندی و مقابله محتوایی آن با قرآن، استوارترین گزارش محور بحث قرار خواهد گرفت. در ادامه بحث برای تحلیل فقه الحدیث «ایطاء الفُرُش»، ابتدا معنای لغوی «ایطاء» به بحث گذارده می‌شود، آن‌گاه برخی معانی ارائه شده از معنای «ایطاء الفُرُش» به نقد کشیده می‌شود و در نهایت معنای صحیح آن تبیین می‌گردد. لازم به ذکر است که با جستجوهای صورت گرفته، تحقیقی در این عرصه یافت نگردید، لذا پژوهش حاضر در جهت جبران این کاستی سامان می‌یابد.

## ۲. روایات «ایطاء الفُرُش»

در بسیاری از جوامع روایی اهل سنت و نیز در برخی از مصادر حدیثی شیعه، از رسول خدا (ص)، خطبه حجة الوداع گزارش شده است، در این خطبه بلند به موضوعات مختلف اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی اشاره شده است، یکی از موضوعات مهم خطبه که معنای آن تا حدودی مبهم است، توصیه‌های پیامبر (ص) درباره شیوه مواجهه مردان با گناه و نشوز زنان است، این بخش از سخنان آن حضرت را محدثان با تفاوت‌هایی

چند- در تقدیم و تأخیر و فزونی و کاستی جملات در مقایسه برخی با برخی دیگر - نقل کرده‌اند و چنان‌که در بیان مسأله گذشت روایتی که در سنن ترمذی آمده، تا حدودی می‌توانست دیدگاه عزیزه جبری را در موضوع ضرب زن تأمین کند و وی نیز بر همین اساس از نقل روایات مشابه خودداری کرده بود، لذا ابتدا همه صورت‌ها و طرق سخن پیامبر (ص) برای یافتن صحیح‌ترین نقل، گزارش می‌شود:

۱- احمد بن حنبل (۲۴۱ق) در مسندش نقل کرده است: «حدثنا عبد الله حدثني أبي حدثنا عفان حدثنا حماد بن سلمة حدثنا علي بن زيد عن أبي حرة الرقاشي عن عمه: (... فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَانٌ لَا يَمْلِكْنَ لِأَنْفُسِهِنَّ شَيْئًا وَإِنَّ لَهُنَّ عَلَيْكُمْ وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقًّا أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فُرْشَكُمْ أَحَدًا غَيْرَكُمْ وَلَا يَأْذَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكْرَهُونَهُ فَإِنْ خِفْتُمْ نُسُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ<sup>۱</sup>)» (شيباني، بی تا، ۵: ۷۲-۷۳).

۲- ابن ابی شیبیه کوفی (۲۳۵ق)، مسلم نیشابوری (۲۶۱ق)، ابن ماجه قزوینی (۲۷۳ق) و نسائی (۳۰۳ق) (در یکی از دو نقلشان)، ابوداود سجستانی (۲۷۵ق)، طبری (۳۱۰ق) و بیهقی (۴۵۸ق) از پیامبر (ص) روایت کرده‌اند: «... فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ، فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانٍ<sup>۲</sup> اللَّهُ وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فُرْشَكُمْ أَحَدًا تَكْرَهُونَهُ، فَإِنْ فَعَلْنَ ذَلِكَ فَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ وَ لَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ<sup>۳</sup>)» (شيبیه کوفی، ۱۴۰۹ق، ۴: ۴۲۵؛ قشیری، بی تا، ۴: ۴۱؛ قزوینی، بی تا، ۲: ۱۰۲۵؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ۲: ۴۲۲؛ ابوداود، ۱۴۱۰ق، ۱: ۴۲۷؛ طبری، ۴۱۲ق، ۴: ۲۱۲؛ بیهقی، بی تا، ۵: ۸).

۱. ترجمه حدیث بدون فقره محل بحث «أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فُرْشَكُمْ أَحَدًا غَيْرَكُمْ»: نسبت به زنان تقوای الهی پیشه کنید، آنان در اختیار شما هستند و مالک خود نیستند، شما در قبال آنان حقوقی به عهده دارید و آنان نیز در قبال شما حقوقی بر عهده دارند؛ (حقوق شما بر عهده آنان این است که) ... و به کسی که خوش ندرید اجازه ورود به خانه ندهند، اگر به نُسُوز دچار شدند، ابتدا موعظه کنید، سپس ترک بستر کنید و در مرحله بعد آنان را به صورت ملایم تنبیه بدنی کنید.

۲. ابن ماجه، ابوداود، نسائی، بیهقی و طبری «بِأَمَانَةٍ» ثبت کرده‌اند.  
۳. ابن ماجه، ابوداود، بیهقی و طبری: «إِنَّ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ» و نسائی: «إِنَّ عَلَيْهِنَّ» نقل کرده‌اند، روشن است که نسائی این فقره را صحیح گزارش نکرده است، زیرا پیامبر (ص) در این فقره در مقام تبیین وظیفه زنان در قبال مردان است، لذا ضمیر «هم» در «عليهِنَّ» باید به صورت «هنَّ» به کار می‌رفت، چنان‌که باقی چنین گزارش کرده‌اند.

۴. ترجمه حدیث: «نسبت به زنان تقوای الهی پیشه کنید، آنان را با امان الهی به تزویج خود درآوردید و همبستری با آنان با جاری ساختن کلام خداوند بر شما حلال گردید، شما حقوقی بر عهده آنان دارید؛ .... اگر آن را مراعات نکردند، به صورت ملایم تنبیه بدنی کنید. حقوق آنان بر عهده شما این است که خوراک و پوشاک شایسته برایشان آماده کنید».

همه این محدثان، روایت خود را با چهار راوی مشترک: «حَدَّثَنَا حَاتِمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ...» از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند. ۳- ترمذی (۲۷۹ق) در دو جای سنن خود و نیز ابن ماجه قزوینی (۲۷۳ق) و نسائی (۳۰۳ق)- در نقل دومشان- گزارش کرده‌اند: «...أَلَا وَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا فَإِنَّمَا هُنَّ عَوَانٌ عِنْدَكُمْ<sup>۱</sup> لَيْسَ تَمْلِكُونَ مِنْهُنَّ شَيْئًا غَيْرَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ فَإِنْ فَعَلْنَ فَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِلَّا إِنْ لَكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ حَقًّا وَلِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ فَلَا يُوْطِئَنَّ فُرُشَكُمْ مَنْ تَكْرَهُونَ وَلَا يَأْذَنَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكْرَهُونَ إِلَّا وَحَقُّهُنَّ عَلَيْكُمْ أَنْ تُحْسِنُوا إِلَيْهِنَّ فِي كِسْوَتِهِنَّ وَطَعَامِهِنَّ»<sup>۲</sup> (قزوینی، بی تا، ۲: ۳۱۵؛ ۴: ۳۳۸؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۵۹۴؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ۵: ۳۷۲).

این محدثان نیز با پنج راوی یکسان: «حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَعْفِيُّ عَنْ زَائِدَةَ عَنْ شَيْبِ بْنِ غَزَلَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْأَحْوَصِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي...» از پیامبر (ص) حدیث را گزارش کرده‌اند.

۴- ابن شعبه حرانی در کتاب تحف العقول بدون سند- همان طور که شیوه ابن کتاب است- نقل کرده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقًّا حَقُّكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوْطِئَنَّ أَحَدًا فُرُشَكُمْ وَلَا يَدْخُلَنَّ أَحَدًا تَكْرَهُنَّهٗ بُيُوتَكُمْ إِلَّا بِإِذْنِكُمْ وَ إِلَّا يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ فَإِنْ فَعَلْنَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ لَكُمْ أَنْ تَعْضَلُوهُنَّ وَ تَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ تَصْرَبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ فَإِذَا انْتَهَيْنَّ وَ أَطَعْنَكُمْ فَعَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ۳۳-۳۴).

۵- صدوق<sup>۳</sup> و طبری<sup>۴</sup> با سند مشابه از عبدالله بن عمر نقل کرده‌اند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ

۱. در نقل ابن ماجه، به جای «فَأَيْنَّمَا هُنَّ عَوَانٌ عِنْدَكُمْ»، «فَأَيْنَهُنَّ عِنْدَكُمْ» آمده است.

۲. ترجمه حدیث: «یکدیگر را توصیه به نیکی در حق زنان کنید، آنان در اختیار شما هستند و شما بیش از تمتع جنسی، حق دیگری بر آنان ندارید مگر عمل زشت آشکاری مرتکب شوند که در این صورت ابتدا ترک بستر کنید و در مرحله بعد آنان را به صورت ملایم تنبیه بدنی کنید. اگر از شما فرمان بردند، بر آنان سرکشی نکنید، (در پی آزار آنان برنیاید). شما حقوقی بر زنان دارید، زنان نیز حقوقی بر شما دارند (حقوق شما بر عهده آنان این است که) ... و به کسی که خوش ندارید اجازه ورود به خانه ندهند و حقوق آنان بر عهده شما این است که برای آنان پوشاک و خوراک شایسته فراهم آورید.

۳. «حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعَسْكَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ ابْنُ أَخِي أَبِي رُزَعَةَ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ عَوْنٍ قَالَ حَدَّثَنِي مَكِّيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْبَلْخِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عُبَيْدَةَ عَنْ صَدَقَةَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو».

۴. «حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَسْرُوقِيُّ قَالَ: ثنا زَيْدُ بْنُ الْحُبَابِ قَالَ: ثنا مُوسَى بْنُ عُبَيْدَةَ الرَّبِذِيُّ قَالَ: ثنا صَدَقَةُ بْنُ يَسَارٍ عَنِ ابْنِ عَمْرٍو...».

النِّسَاءِ عِنْدَكُمْ عَوَانَ لَا يَمْلِكُنَّ لِأَنْفُسِهِنَّ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ فَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقٌّ وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ حَقٌّ وَمِنْ حَقِّكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُؤْتَيْنَ فُرُشَكُمْ وَلَا يُعْصِبَنَّكُمْ فِي مَعْرُوفٍ فَإِذَا فَعَلْنَ ذَلِكَ فَلَهُنَّ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا تَضْرِبُوهُنَّ» (طبری، ۱۴۱۲ق، ۴: ۲۱۲؛ صدوق، ۱۳۶۲ش، ۲: ۴۸۷).

یکی از لوازم دستیابی به معنای صحیح واژه «ایطاء» در جمله «یوئین فُرُشَكُمْ» - که در همه روایات یاد شده آمده است - یافتن دقیق‌ترین نقل و صحیح‌ترین ضبط توسط راویان است، زیرا اختلاف در نقل‌ها به تفاوت در برداشت نیز منتهی خواهد شد، مثلاً طبق روایات سوم و پنجم، برای زنانی که «ایطاء الفُرُش» را مرتکب می‌شوند هیچ مجازات و تنبیهی در نظر گرفته نشده است، در روایت دوم، مجازات ارتکاب به آن فقط تنبیه ملایم زنان است، در روایت چهارم، به ترتیب: تحت فشار قرار دادن، ترک بستر و تنبیه ملایم است و در روایت اول، مانند روایات پنجم است با این تفاوت که به جای تحت فشار قرار دادن، موعظه کردن ذکر گردیده است. اختلافی که در این روایات دیده می‌شود ناشی از نقل به معنا و میزان دقت ضبط راویان است، لذا با بررسی اسناد و تحلیل محتوای روایات، صحیح‌ترین روایت برای تبیین دقیق مفاد آن شناسایی می‌شود.

### ۳. بررسی اسناد و محتوای روایات

#### ۳-۱. بررسی اسناد روایات

یکی از طرق دستیابی به معتبرترین روایت، توجه به اصل صدور آن از معصوم است، این مهم با شناسایی راویان اوثق و اضبط و نیز اتصال یا عدم اتصال روایت به معصوم حاصل می‌گردد، وضعیت اسناد پنج روایت محل بحث به شرح ذیل می‌باشد:

**روایت اول:** در روایت احمد بن حنبل، أبو حرة الرقاشی ناقل حدیث از عمویش از پیامبر (ص) است. در منابع رجالی نام أبو حرة را واصل بن عبد الرحمن، حنیفه و حکیم گفته‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۱۲۱؛ مزی، ۱۴۰۶ق، ۷: ۴۵۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ۴: ۳۲۹؛ ۱: ۶۲۱). گاه نیز حنیفه را نام عموی أبو حرة دانسته‌اند که مدت کوتاهی مصاحبت با پیامبر (ص) داشته است (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۱۲۱). در جرح و تعدیل أبو حرة نیز اختلاف کرده‌اند؛ برخی او را توثیق و برخی تضعیف کرده‌اند (مزی، ۱۴۰۶ق، ۷: ۴۵۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ۴: ۳۲۹). گذشته از أبو حرة، نام و موقعیت عموی وی روشن نیست، لذا هنگام توصیف وی، از او تحت عنوان «عم أبي حرة الرقاشی» یاد کرده‌اند (ابن سعد، بی‌تا، ۷: ۸۴). راوی بعدی، علی بن زید بن جدهان نیز، جرح و تعدیلش مورد اختلاف رجالیان است (مزی،

۱۴۰۶ق، ۲۰: ۴۳۷-۴۳۹؛ ذهبی، بی تا، ۱: ۱۴۰). اما در توثیق راویان بعدی اتفاق نظر دارند. بنابراین درباره سند این روایت نمی توان به طور قطع حکم به تضعیف یا توثیق آن کرد.

**روایت دوم:** جابر بن عبدالله انصاری، صحابه برجسته پیامبر (ص) و دو راوی بعدی: محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) و فرزند ایشان جعفر (ع) - که از نوادگان پیامبر (ص) و امام علی (ع) هستند - مورد توثیق همه رجالیان می باشند. اما راوی چهارم: حاتم بن اسماعیل، در کتب رجال سخن در جرح و تعدیل وی مختلف است؛ برخی همچون نسایی در الضعفاء و المتروکین او را قوی نمی دانند (نسائی، ۱۴۰۶ق، ۱۶۸). از احمد بن حنبل نیز نقل است که برخی ادعا کرده اند وی در نقل حدیث با اتکا به حافظه، به غفلت دچار می شده، با این همه کتاب حدیثی او صلاحیت نقل روایت دارد (رازی، ۱۳۷۱ق، ۳: ۲۵۷؛ مزی، ۱۴۰۶ق، ۵: ۱۹۰). بسیاری از رجالیان اهل سنت نیز وی را توثیق کرده اند (ابن سعد، بی تا، ۵: ۴۲۵؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق، ۱۲: ۱۰۸). بنابر مجموع آراء، به نظر می رسد قول به توثیق حاتم اقوی از تضعیف وی است. بنابراین سند این روایت معتبر می باشد.

**روایت سوم:** با سند «حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الْجُعْفِيُّ عَنْ زَائِدَةَ عَنْ شَيْبِ بْنِ غَرْقَدَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْأَحْوَصِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي...» روایت شده است. تمام راویان سند روایت سوم مورد توثیق رجالیان اهل سنت می باشند. حسین بن علی جعفی (مزی، ۱۴۰۶ق، ۶: ۴۵۱-۴۵۲)، زائده بن قدامة (همان، ۹: ۲۷۶-۲۷۷)، شیب بن غرقده سلمی (همان، ۱۲: ۳۷۲)، سلیمان بن عمرو بن أحوص جشمی (همان، ۱۲: ۴۹)، عمرو بن أحوص جشمی (همان، ۲۱: ۵۳۹) جملگی توثیق گردیده اند.

**روایت چهارم:** فاقد سند است، شیوه کتاب تحف العقول عدم ذکر سند است، لذا نمی توان درباره سند آن داوری کرد.

**روایت پنجم:** سه راوی مشترک و انتهایی در سند حدیث صدوق و طبری عبارتند از: «مُوسَى بْنُ عُبَيْدَةَ عَنْ صَدَقَةَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ». در این سند «موسی بن عبیده الربذی» را رجالیان در تضعیف آن اتفاق نظر دارند (نسائی، ۱۴۰۶ق، ۴: ۱۶۱؛ رازی، ۱۳۷۱ق، ۸: ۱۵۲؛ مزی، ۱۴۰۶ق، ۲۹: ۱۰۸-۱۱۳)، بنابراین سند این روایت ضعیف است.

### ۲-۳. تحلیل محتوای روایات و انطباق آن ها با آیات

یکی از مرجحات نزدیکی مضمون هرچه بیشتر روایت به آیات قرآن است. درباره این روایات یکی از ابزارهای مهم بررسی دقیق محتوای آن ها و دستیابی به نقل دقیق تر توجه



به آیاتی است که پیامبر (ص) در لابه‌لای سخن خود بدان‌ها اشاره داشته است. ظاهراً فقره «يُوطِنُ فُرْشَكُمُ» در روایات به سرپیچی زن از فرمان مرد اشعار دارد. در فرهنگ قرآن از این سرپیچی تحت عنوان «نشوز» یاد شده است. در خصوص کیفیت مواجهه مرد با نشوز همسرش آیاتی چند وجود دارد که در این روایات نیز بدان‌ها اشاره شده است؛ چهار روایت نخست بخشی از آیه ۳۴ سوره نساء را در خود گنجانده‌اند که مربوط به نشوز زن است: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنَ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» (النساء: ۳۴)، در دو روایت سوم و چهارم غیر از آیه مزبور، قسمتی از آیه ۱۹ سوره نساء آمده که در ارتباط با فحشای زن است: «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضٍ مَّا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»<sup>۱</sup>.

اما در چهار روایت نخست، تنها روایتی که در آن آیه ۳۴ سوره نساء به طور دقیق تضمین شده، روایت نخست است؛ توضیح آن‌که در این آیه خداوند به مردان در مواجهه با نشوز زن به ترتیب سه مرحله: موعظه، ترک بستر و زدن را (بنابر تفسیر مشهور) تجویز کرده است. طبق مفاد آیه، اگر زنی به معصیت خدا آلوده شد یا در شرف ارتکاب گناه قرار گرفت شایسته‌ترین فرد برای بازداشتن وی از گناه و امر به معروف و نهی از منکر، شوهر اوست که وظیفه عموم مؤمنان را او در اینجا برعهده گرفته است تا در مرحله نخست او را موعظه کند و چنانچه مؤثر واقع نشد از او اظهار انزجار کند و در مرحله سوم زن را مانند هر معصیت‌کاری تنبیه بدنی کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ ش، ۱۸: ۵۵۰-۵۵۱).

در روایت دوم اولاً، به نشوز اشاره نشده است و ثانیاً، از سه مرحله مواجهه با نشوز فقط به زدن اشاره شده است. در روایت سوم به جای نشوز، «فاحشة مبینة» آمده است و از سه مرحله تأدیب، دو مرحله «ترک بستر» و «زدن» آمده است، به علاوه بحث «فاحشة مبینة» مربوط به آیه ۱۹ نساء است و اساساً ربطی به آیه ۳۴ نساء و اجرای مراحل تأدیب ندارد. در روایت چهارم به جای «نشوز»، «فاحشة» آمده است و از سه مرحله به جای روش موعظه، از روش «تحت فشار قرار دادن» (تَعْضُلُوهُنَّ) - که مربوط به آیه ۱۹ نساء است - سخن گفته شده است.

چنانکه گذشت در دو روایت سوم و چهارم غیر از آیه ۳۴ نساء، قسمتی از آیه ۱۹ سوره نساء نیز تضمین شده است، در این آیه، سخن متوجه مردان است که نباید با تحت ۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] برید، مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند، و با آن‌ها به شایستگی رفتار کنید.

فشار قرار دادن زن بخشی از مهریه‌ای را که پرداخت کرده‌اند تصاحب کنند مگر آنکه زن به «فاحشه مبینة» دچار شود.

در تفاسیر سه دیدگاه برای تفسیر «فاحشه» مطرح است: ۱- زنا، ۲- نشوز، ۳- همه معاصی (طوسی، بی تا، ۳: ۱۵۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۳: ۴۰؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۱۰: ۱۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۲۹۹).

در این بین، برخی مفسران قول دوم را ترجیح داده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۹۰)، برخی قول سوم را ترجیح داده و آن را مستند به روایتی از امام باقر (ع) کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۴۳۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۴۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۳: ۴۰)، برخی دیگر نیز قول اول را- که دقیق‌تر به نظر می‌آید- برگزیده و دلایلی را مطرح کرده‌اند: ۱- کثرت استعمال واژه «فاحشه» در معنای زنا (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴: ۲۵۵).

۲- در این حالت است که مرد تحت فشار و سختی قرار می‌گیرد و زن باید بخشی یا تمام مهریه را برگرداند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۷: ۱۶۲).

۳- به اقتضای تناسب حکم و موضوع و سیاق، مراد گناه زن در محدوده‌ای است که مرد برای آن به زن اموالی داده است، یعنی در محور مسائلی مانند تمکین و مباضعه (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۱۸: ۱۴۱-۱۴۲).

دیدگاه دوم (تفسیر به نشوز) صحیح نمی‌تواند باشد زیرا حکم نشوز و روش مواجهه مرد با آن در آیه ۳۴ سوره نساء آمده است. دیدگاه سوم نیز مورد نقد است؛ زیرا اولاً، اگر مقصود از «فاحشه» مطلق گناه کبیره باشد و آن را از ظاهر روایتی هم بتوان استنباط کرد، بیشتر مردان می‌توانند مهریه همسرانشان را ندهند، حال آنکه این‌گونه احادیث باید کنار دیگر روایات ملاحظه شوند تا حکم فقهی آن‌ها بیان گردد. ثانیاً، روایت مورد استناد به ارسال سند و ضعف دچار است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۱۸: ۱۵۸).

با توجه به آنچه گذشت در روایت سوم که آمده است: «لَيْسَ تَمْلِكُونَ مِنْهُنَّ شَيْئًا غَيْرَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ فَإِنْ فَعَلْنَ فَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرُبُوهُنَّ صَرْبًا غَيْرَ مُبْرَحٍ»، طبق آن در صورت ارتکاب «فاحشه مبینة»- که عبارت از زنا باشد- هم اجازه تملک مهریه به مرد داده شده است: «لَيْسَ تَمْلِكُونَ مِنْهُنَّ شَيْئًا غَيْرَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ» و هم امر به ترک بستر: «فَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» و هم تنبیه بدنی «وَاصْرُبُوهُنَّ صَرْبًا غَيْرَ مُبْرَحٍ» کرده است، این در حالی است که اولاً، در صورت ارتکاب «فاحشه»، وظیفه مرد گرفتن بخشی یا تمام مهریه مطابق با مراد آیه ۱۹ سوره نساء می‌باشد، ثانیاً، طبق سنت نبوی (ص) باید بر چنین زنی حد شرعی جاری کرد و

نه ترک بستر و زدن ملایم، ثالثاً، اگر هم بر فرض، نشوز باشد مراحل سه گانه: موعظه، ترک بستر و زدن، بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء در روایت ذکر می‌شد که چنین نیست. به نظر می‌رسد گزارش این‌گونه روایت به واسطه راویان، ناشی از عدم فهم صحیح سخن پیامبر (ص) و یا عدم دقت در نقل آن است، مؤید آن ادامه روایت است که عبارت «فَلَا يُوْطِنُ فُرْشَكُمْ مَنْ تَكَرُّهُنَّ وَلَا يَأْذَنُ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكَرُّهُنَّ» آمده است، در حالی که این جمله باید قبل از مراحل تأدیب ذکر می‌شد.

در روایت چهارم نیز بین جملات تقدیم و تأخیر رخ داده است، به این صورت که اگر زن به «فاحشه» دچار شود، مرد حق دارد که زن را در تنگنا قرار دهد: «تَعْضَلُوهُنَّ» و اگر به «أَنْ لَا يُوْطِنَ أَحَدًا فُرْشَكُمْ وَلَا يَدْخُلْنَ أَحَدًا تَكَرُّهُنَّ بِيُوتِكُمْ إِلَّا بِإِذْنِكُمْ» - چنانکه خواهد آمد یکی از عوامل نشوز زن است - دچار شود مرد حق دارد که با همسرش ترک بستر کرده یا او را تنبیه سبک بدنی کند: «تَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَتَضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ»، البته مطابق با آیه ۳۴ سوره نساء قبل از این دو مرحله مرد باید زن را موعظه کند که در این روایت نیامده است.

از دقت در مضمون روایت پنجم و عرضه آن بر آیات قرآن و مقایسه با چهار روایت قبلی به نظر می‌رسد که بخشی از سخن پیامبر (ص) تحریف و بخشی حذف شده است، بخش تحریف‌شده جمله «لَا تَضْرِبُوهُنَّ»؛ (زنان را نزنید) می‌باشد، چرا که نه تنها مخالف روایات دیگر است بلکه در تقابل با آیه ۳۴ سوره نساء است. اما بخش حذف شده چنین است که در روایت جمله «فَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقٌّ وَ لَهُنَّ عَلَيْكُمْ حَقٌّ» مقدمه اشاره به حقوق متقابل زن و شوهر نسبت به یکدیگر است، در ادامه با تعبیر «مِنْ حَقِّكُمْ عَلَيْهِنَّ» به حق شوهران اشاره شده است: «أَنْ لَا يُوْطِنَ فُرْشَكُمْ وَلَا يَعْصِبَنَّكُمْ فِي مَعْرُوفٍ فَإِذَا فَعَلْنَ ذَلِكَ»، در پایان این عبارت جا داشت که مراحل تأدیب زن بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء اشاره می‌شد که نیامده است، در ادامه روایت که حق زنان اشاره شده است جا داشت که ابتدا جمله‌ای چون: «وَمِنْ حَقِّهِنَّ عَلَيْكُمْ» ذکر می‌شد تا با ادامه روایت: «فَلَهُنَّ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» منطبق گردیده و لف و نشری که در روایت وجود دارد، رعایت می‌گردید.

بنابر آنچه گذشت در جمع‌بندی باید گفت که روایات دوم و سوم اگرچه اسناد صحیحی داشتند مع الوصف با عرضه فقرات محل بحث بر آیات، محتوا به دقت گزارش نشده است. روایت چهارم به سبب عدم گزارش سند توسط ابن‌شعبه اگر بنا باشد تنها بر اساس محتوا داوری گردد، به آسیب دو روایت اخیر دچار است و روایت

پنجم نیز، غیر از آسیب روایات قبل به ضعف سند نیز دچار است. اما در روایت اول، اگرچه در جرح و تعدیل برخی راویان سندش اختلاف نظر است، مع ذلک در بین این گزارش‌ها، استوارترین محتوا را در انطباق با آیات قرآن دارد؛ زیرا مراحل‌لی که در مواجهه با نشوز زن مطرح کرده است مطابق با ترتیبی است که در آیه ۳۴ سوره نساء خداوند متعال بیان کرده است، از این‌روی، بر اساس روایت نخست مباحث فقه‌الحدیثی «ایطاء الفُرُش» در فقره «أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فُرُشَكُمْ» مطرح می‌گردد.

#### ۴. فقه‌الحدیث «ایطاء الفُرُش» در جمله «أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فُرُشَكُمْ»

برای بررسی و تحلیل مباحث فقه‌الحدیث «ایطاء الفُرُش»، ابتدا معنای لغوی «ایطاء» به بحث گذارده می‌شود، آن‌گاه برخی معانی ارائه شده از معنای «ایطاء الفُرُش» به نقد کشیده می‌شود و آن‌گاه معنای صحیح آن تبیین می‌گردد.

#### ۴-۱. معنای لغوی «ایطاء»

«ایطاء» مصدر ثلاثی مزید باب افعال از ریشه «وطأ» است. لغت‌شناسان برای این ماده، معانی متعددی نوشته‌اند: گام نهادن بر زمین: «وَوَطِئَ الْأَرْضَ يَطَأُهَا وَطْأً» (ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ۱: ۲۴۲)، آماده کردن چیزی: «وَوَطَأْتُ لَكَ الْأَمْرَ إِذَا هَيَّأْتَهُ» (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۱۴: ۳۶؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ۶: ۱۲)، آشکار شدن چیزی: «وَوَطِئَ الشَّيْءُ فَهُوَ وَطِئٌ بَيْنَ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۷۴). همچنین به معنای جماع در استعمال: «وَوَطِئْتُ الْجَارِيَةَ أَي: جَامِعْتُهَا» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۴۶۸؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ۱۴: ۳۶؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ۹: ۲۵۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۴۱؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ۶۶۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱: ۱۹۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ۱: ۴۴۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۲۷۷) یا کنایه از «جماع»/ «نکاح»: «وَوَطِئَ امْرَأَتَهُ كِنَايَةً عَنِ الْجَمَاعِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۷۵)، «وَوَطِئَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ كِنَايَةً عَنِ النَّكَاحِ» (حمیری، ۱۴۲۰ق، ۱۱: ۷۲۰۹) نوشته‌اند. معنای اخیر شاهد روایی نیز دارد و در برخی روایات در همین معنا به کار رفته است، برای نمونه: حاکم در دو جای مستدرکش نقل کرده است: «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَوْمَ خَيْبَرَ عَنْ بَيْعِ الْغَنَائِمِ حَتَّى تُقَسَّمَ وَعَنِ الْحَبَالِيِّ أَنَّ يُوطِئَنَّ حَتَّى يَضَعَنَّ مَا فِي بُطُونِهِنَّ...»<sup>۱</sup> (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ۲: ۵۵-۵۶، ۱۳۷).

۱. «رسول خدا (ص) در جنگ خیبر از فروش غنائم قبل از تقسیم آنان و جماع با زنان باردار اسیر قبل از وضع حمل نهی کرد».

ابن ابی شیبۀ کوفی نیز گزارش کرده است: «إِذَا سُيِّتِ الْمَجُوسِيَّةُ وَعَبَدَةُ الْأَوْثَانِ عُرِضَ عَلَيْهِنَّ الْإِسْلَامُ فَإِنْ أَسْلَمْنَ وَوُطِّنَ وَاسْتُخْدِمْنَ وَإِنْ أَبَيْنَ أَنْ يُسَلِّمْنَ اسْتُخْدِمْنَ وَلَمْ يُوْطَأَنَّ»<sup>۱</sup> (ابن ابی شیبۀ کوفی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۳۱۲)، همچنین وی در گزارشی دیگر آورده است: «إِذَا سُيِّتِ الْيَهُودِيَّاتُ وَالنَّصْرَانِيَّاتُ عُرِضَ عَلَيْهِنَّ الْإِسْلَامُ وَجُبِرْنَ عَلَيْهِ، فَإِنْ أَسْلَمْنَ أَوْ لَمْ يُسَلِّمْنَ أُوْطِنْنَ وَاسْتُخْدِمْنَ»<sup>۲</sup> (ابن ابی شیبۀ کوفی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۳۱۲).

#### ۴-۲. نقد معنای جماع و زنا در «ابطاء الفُرْش»

بر اساس معانی لغوی یادشده، شاید تصور شود که ماده «ابطاء» در فقره «أَنْ لَا يُوْطِنَنَّ فُرُشَكُمْ»، به معنای جماع یا نکاح استعمال شده است. به نظر می‌رسد این معنا صحیح نباشد، زیرا اولاً، جماع یا نکاح، بار معنای مثبت و مشروع دارد، در حالی که در روایات نبوی (ص) زنان از ارتکاب به آن نهی شده‌اند، ثانیاً، در این معنا، واژه به صورت ثلاثی مجرد «وَوَطِيَّ» به کار رفته است اما در فقره محل بحث ثلاثی مزید باب افعال «یوْطِيَّ» است و قاعداً این زیادت در مبانی، باید در تفاوت معنا مؤثر باشد، ثالثاً، در معنای جماع، «وَوَطِيَّ» با «الْجَارِيَةِ» یا «الْمَرَأَةِ» به کار رفته است ولی در روایت «یوْطِيَّ» با «فُرْش» استعمال شده است.

برخی از معاصران ظاهراً با در نظر داشتن معنای «جماع»، «یوْطِيَّ» را در حدیث مجزاً به معنای «زنا» دانسته‌اند<sup>۳</sup> (مدنی، ۱۳۸۴ش، ۱: ۱۳۵). طبری همین معنا را از حدیث به دست داده و نوشته است: معنای این سخن پیامبر (ص): «مِنْ حَقِّكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوْطِنَنَّ فُرُشَكُمْ» این است که زنان نباید خود را در اختیار کسی جز همسران قرار دهند، اگر زنی چنین کند و جماع با کسی جز همسرش تن دهد، شوهرش حق دارد که او را از پوشاک و خوراک شایسته محروم گرداند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۴: ۲۱۲-۲۱۳) همچنین چنان‌که گذشت عزیزه جبری، مراد از سخن پیامبر (ص) را ارتکاب زنا دانسته است و با چنین تبیینی ضرب زن در آیه ۳۴ سوره نساء را تنها وقتی جایز دانسته است که زن به زنا دچار شود (Hibri, 2003, 219-220).

۱. «هرگاه زنان زرتشتی و بت پرست اسیر گردند، بر آنان اسلام عرضه می‌شود، اگر به اسلام درآیند می‌توان با آنان جماع کرد و به کار گرفت و اگر از مسلمان شدن خودداری کردند، به کار گرفته می‌شوند ولی نباید جماع کرد».
۲. «هرگاه زنان یهودی و مسیحی اسیر گردند، بر آنان اسلام عرضه شده و بدان تشویق می‌شوند، خواه به اسلام درآیند و خواه در نیابند می‌توان با آنان جماع کرد و به کار گرفت».
۳. شایان ذکر است این تبیین در مقدمه کتاب الطراز الأول - که به وسیله آقای علی شهرستانی نوشته - آمده و دیدگاه مؤلف خلاف آن است، چنان‌که جلوتر در متن مقاله خواهد آمد.

اما ظاهراً تفسیر سخن پیامبر (ص) به زنا صحیح نمی‌باشد، زیرا:

اولاً، در کتاب‌های لغوی معتبر، چنین معنایی را ارائه نکرده‌اند، آنان ترکیب «وَطَّأ» با «الفرش»، «وَوَطَّأْتُ لَكَ الْفِرَاشَ» را در معنای مهیا کردن و آماده ساختن به کار برده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۴۶۷؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ۱۴: ۳۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱: ۱۹۷؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ۹: ۲۵۲؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ۶: ۱۲۰). این معنای لغوی، معنایی اعم از معنای ارتکاب زنا دارد؛ از این استعمال می‌توان هر دو معنای فراهم آوردن زمینه گفتگوی خصوصی یا ارتکاب زنا را به دست داد که در روایت پیامبر (ص) به ضمیمه قرائن دیگر معنای نخست، صحیح به نظر می‌رسد.

ثانیاً، بر اساس روایت اول که در مسند احمد بن حنبل آمده بود و از دیگر گزارش‌ها دقیق‌تر به نظر می‌رسید، آمده بود: «أَنَّ لَا يُوْطِئَنَّ فُرْشَكُمْ أَحَدًا غَيْرَكُمْ وَلَا يَأْذَنَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكَرَّهْتُمْ فَإِنَّ خِفْتُمْ نُسُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ» و حتی طبق روایات دوم و چهارم، در صورت ارتکاب زن به «إیطاء الفُرْش»، باید او را به صورت نرم و ملایم - غیر شدید «ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ» - تنبیه کرد، این در حالی است که حد شرعی زنا هم تعیین شده است و هم شدید می‌باشد، شارحان این روایات از متقدمان و متأخران به این اِشْکال تَفْطِن داشته‌اند و طُرفه آن‌که اغلب این شارحان سخنان خود را در شرح بر روایت دوم - که مسلم و ابی‌داود از ناقلان برجسته آن هستند - مطرح کرده‌اند:

خطابی (۳۸۸ق) - در شرح خود سنن ابی‌داود - نوشته است: در جمله «أَنَّ لَا يُوْطِئَنَّ فُرْشَكُمْ»، مراد زنا نیست، زیرا زنا به هر شکلی حرام است و مشروط بر نارضایتی نسبت به آن نیست، اگر مقصود زنا باشد، در این صورت زدن شدید و مجازات دردناک با سنگسار کردن واجب بود، در حالی که در روایت آمده است اگر زنان این خطا را مرتکب شوند باید آنان را بدون شدت تنبیه کرد (خطابی، ۱۳۵۱ق، ۱: ۴۵۴)، طیبی (۷۴۳ق) نیز این سخنان طیبی را در شرح خود گزارش کرده است (طیبی، ۱۴۱۷ق، ۶: ۱۹۶۵-۱۹۶۶).

ابن حزم (۴۵۶ق) در کتاب فقهی خود - المحلی فی شرح المجلی بالحجج والآثار - دیدگاه فوق را دارد، وی پس از نقل حدیث از صحیح مسلم (روایت دوم) می‌نویسد: مراد پیامبر (ص) فراش بستر (زنا) نبوده، زیرا زنای محصنه مستوجب مجازات رجم است، نه زدنی که غیر شدید باشد، بدون شک مراد حضرت وارد شدن هرکسی خواه مرد و خواه زن به خانه بدون رضایت شوهر است (ابن حزم أندلسی، بی‌تا، ۱۰: ۷۲).

نووی (۶۷۶ق) و به تبع وی سیوطی (۹۱۱ق) در شروع خود بر صحیح مسلم گفته‌اند: مقصود روایت، زنا کردن نیست زیرا زنا مجازات حد در پی دارد و نیز در زنا، خواه زوج بدان راضی و خواه ناراضی باشد، حرام است (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۳۲۲؛ نووی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۱۸۳).

عبدالمحسن العباد- عالم معاصر سعودی- در شرح خود برای سنن أبی داود، غیر از نقدهای دیگران برای تفسیر فقره روایت به زنا، به اشکال دیگری نیز توجه داشته است و آن اینکه مردی که همسری زناکار و فاجر دارد، جایز نیست وی را (تحت سرپرستی خود) نگاه دارد (عباد، بی تا، ۱: ۲).

#### ۳-۴. واکاوی معنای صحیح «ایطاء الفُرْش»

آن‌گونه که گذشت با معانی متداول از ماده «وطأ» در فرهنگ‌های لغت، معنای «ایطاء الفُرْش» روشن نمی‌شود. اما با ادامه جستجوها در کتب لغوی، معنای متفاوتی را برخی لغت‌دانان ژرف‌اندیش ارائه کرده‌اند که به نظر می‌رسد می‌توان معنای صحیح فقره روایت را دریافت. ظاهراً اولین لغت‌دانی که بر این مسأله تظن داشته و به تفاوت معنای لغوی ماده «وطأ» با دیگر استعمالات آن واقف گردیده، ابوموسی مدینی (۵۸۱ق) است وی در کتاب «المجموع المَغِیْثُ فی غریبِ القرآن والحديث» در ماده «وطأ» پس از نقل بخشی از حدیث «عَلَيْهِنَّ مِنَ الْحَقِّ أَلَّا يُوْطِئْنَ فُرْشَكُمْ أَحَدًا تَكَرُّهًا» روایت را چنین معنا می‌کند: «زنان به هیچ مرد بیگانه‌ای اجازه ورود نداده و با آنان به گفتگو ننشینند»، زیرا عرب بر این امر عادت داشت و آن را ناروا و ناپسند نمی‌دانستند، زمانی که آیه حجاب نازل گردید از این کار نهی شدند (مدینی، ۱۴۰۸ق، ۳: ۴۲۹). به نظر می‌رسد این‌گونه گفتگوها، سخن گفتن عادی نبوده است بلکه با طرح دوستی همراه بوده و بستر گناه را فراهم می‌آورده است. این مطلب شاهد قرآنی نیز دارد و از آن جلوتر سخن خواهیم گفت.

ابن اثیر (۶۰۶ق) در کتاب سودمندش «النهاية فی غریب الحديث والأثر» (۱۳۶۷ش، ۵: ۲۰۱) همین دیدگاه را به میان آورده است و ابن منظور (۱۴۱۴ق، ۱: ۱۹۸) و علی‌خان مدنی- لغوی‌دان شیعی- (۱۳۸۴ش، ۱: ۲۳۸) و علامه مجلسی در شروع خودش (۱۴۰۴ق، ۲۱: ۲۳۴؛ ۱۴۰۶ق، ۱۳: ۱۸۷) سخن ابن اثیر را گزارش کرده و پذیرفته‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد چنین تبیینی از روایت مسبوق بر کلام لغویان بوده است و برخی از شارحان جوامع حدیثی اهل سنت بنا بر شواهد متنی حدیث نخستین پیش‌گامان

در چنین تبیینی از روایات بوده‌اند و تقریباً تمام آنان بر این معنای از روایات - به ترتیبی که در ادامه می‌آید - اتفاق نظر داشته‌اند:

خطابی (۳۸۸ق) در شرح خود بر سنن ابی‌داود به این حقیقت اشاره کرده و نوشته است: جمله «إِنَّ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُؤْتَيْنَ فُرُشَكُمْ أَحَدًا تَكْرَهُونَهُ»؛ معنایش این است که زنان به هیچ مردی اجازه ندهند که به منزل وارد شده و با آنان گفتگو کنند. سخن گفتن مردان با زنان از عادات عرب بود آن را ناروا و ناپسند نمی‌دانستند، زمانی که آیه حجاب فرود آمد، زنان در پرده حجاب قرار گرفتند و مردان از گفتگو و مجالست با زنان نهی شدند (خطابی، ۱۳۵۱ق، ۱: ۴۵۴).

مازری (۵۳۶ق) در شرحش بر صحیح مسلم گفته است، مراد آن است که زنان با مردان خلوت نکنند. مراد زنا نمی‌باشد زیرا آن عمل موجب حد است و نیز در هر صورتی - اکراه یا عدم اکراه - حرام است (مازری، ۱۹۸۸م، ۲: ۸۵).

قاضی عیاض (۵۴۴ق) در «اکمال المعلم بفوائد کتاب مسلم» (عیاض، ۱۴۱۹ق، ۲: ۵۸) و نووی (۶۷۶ق) - در شرح خود بر صحیح مسلم - همان سخن خطابی را آورده‌اند، نووی افزوده است: معنای مختار روایت این است که زنان به کسی که ناخوش می‌دارید اجازه ورود به منزل ندهند و در منازلتان با آنان هم‌نشینی نکنند؛ خواه آن شخص مردی بیگانه باشد، خواه زن و خواه یکی از محارم زوجه باشد، نهی همه را دربرمی‌گیرد (نووی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۱۸۳-۱۸۴).

سیوطی نیز در شرحش بر صحیح مسلم و سنن ابن‌ماجه بر همین باور می‌باشد (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۳۲۲؛ همو، بی‌تا، ۱: ۱۳۳). در این میان دیگر شارحان: عظیم‌آبادی (۱۳۲۹ق) در شرح سنن ابی‌داود (عظیم‌آبادی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۲۶۳) و مبارکفوری در شرح ترمذی (مبارکفوری، ۱۴۱۰ق، ۴: ۲۷۴) سخنی این‌گونه دارند.

عبدالمحسن العباد - شارح معاصر سنن ابی‌داود - نیز همین دیدگاه را اختیار کرده است، وی می‌نویسد: مقصود از «وطء الفُرُش»، سخن گفتن در خلوت میان زن با مرد بیگانه است. اسلام چون ظهور یافت آن را منع کرد و به حجاب دستور داد و خلوت میان مرد و زن بیگانه را حرام کرد، لذا پیامبر (ص) فرموده‌اند: «هیچ مردی با زنی خلوت نمی‌کند مگر آنکه شیطان سومین نفر آنان است». اگر زنان چنین رفتاری که شایسته و سزاوار نیست مرتکب شدند شما آنان را با زدن غیر شدید تأدیب کنید (عباد، بی‌تا، ۱: ۲). غیر از شارحان آثار حدیثی، مفسرانی که روایت را تبیین کرده‌اند، همین شرح را آورده‌اند. (آل‌غازی، ۱۳۸۲ق، ۵: ۱۸۸-۱۸۹؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۶۰).



چنان‌که گذشت ظاهراً سخن گفتن زن و مرد بیگانه در این روایات به شکل گفتگوها و تعاملات رایج و عادی در جامعه آن روز نبوده است بلکه احتمالاً سخن گفتنی همراه با طرح دوستی و آلوده شدن به گناه بوده است. این‌گونه رفتارها با تعبیر «اتخاذ اُخْدان»، در قرآن نیز مورد اشاره و نهی واقع شده است، در آیه ۲۵ سوره نساء- که سخن از شرایط زوجه‌ای است که به نکاح در آورده می‌شود- آمده است: «... فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ...»<sup>۱</sup>. مفسران فریقین مراد از فقره «مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» را دوستی مردان با زنان نوشته‌اند (قمی، ۱۳۶۷، ۱: ۱۳۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۵: ۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۳: ۵۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۴۲)، این دوستی خود مقدمه فحشا بوده است (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۵: ۱۴۳).

برخی مفسران از عطف «مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ»؛ (دوست‌گیران) بر «مُسَافِحَاتٍ»؛ (زناکار) در آیه محل بحث معتقدند که این دو عبارت دارای دو معنای متفاوت- و نه مترادف- هستند و بر اساس قرینه تقابل، «مُسَافِحَاتٍ» بر زنای آشکار و «مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ»- که با خلوت‌گزینی و دوست‌گیری آغاز می‌گردید- بر زنای نهانی دلالت دارد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴: ۲۷۸)، این تفسیر را روایاتی از ابن عباس تأیید می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۵: ۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۳: ۵۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۴۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۱۲).

اما ممکن است با توجه به اینکه بعد از فقره «أَنْ لَا يُوْطِئَنَّ فُرُشَكُمْ»، در روایت اول، جمله: «لَا يَأْذَنَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِأَحَدٍ تَكَرُّهُونَهُ»، در روایت سوم، جمله: «لَا يَأْذَنَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكَرُّهُونَ» و در روایت چهارم: «لَا يَدْخُلَنَّ أَحَدًا تَكَرُّهُونَهُ بُيُوتَكُمْ إِلَّا بِإِذْنِكُمْ» آمده است، به تبیینی که گذشت اشکال شود، زیرا این جملات با وجود اختلاف در الفاظ، ظاهراً مفاد یکسان و برابری با فقره «أَنْ لَا يُوْطِئَنَّ فُرُشَكُمْ» دارند، چه اینکه معنای آن‌ها این است که زنان نباید به خانه شوهرانشان اجازه ورود کسانی را بدهند که شوهران ناخوش دارند. ظاهراً این اشکال وارد نیست و در رد آن یکی از دو پاسخ ذیل محتمل است:

نخست: آن که، همانطور که مبارکفوری در شرح سنن ترمذی نوشته است جمله: «لَا يَأْذَنَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكَرُّهُونَ» به منزله تفسیر جمله قبلش- که عام بود- می‌باشد «هَذَا كَالْتَفْسِيرِ لِمَا قَبْلَهُ وَهُوَ عَامٌ» (مبارکفوری، ۱۴۱۰ق، ۸: ۳۸۴). یعنی با توجه به این که فقره محل بحث معنای کلی داشته و چند معنا برای آن محتمل است، جمله بعدش برای تبیین معنای مقصود ایراد شده است.

۱. «پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار و دوست‌گیران پنهانی نباشند».

دوم: آن که از آنجا فقره محل بحث، فهمش آسان نبوده است راویان این عبارت را برای تبیین اضافه کرده‌اند و حدیث از احادیث مزید متنی<sup>۱</sup> به حساب می‌آید مؤید این نظر، اولاً، عدم گزارش آن در روایت دوم و پنجم است که گویا برای راویان آن‌ها روشن بوده است، ثانیاً وجود اختلافی است که در الفاظ روایات اول و سوم و چهارم است.

## ۵. نتیجه‌گیری

۱- از آنچه گذشت روشن گردید یکی از بایسته‌های فهم روایات، پرهیز از سطحی‌نگری و تلاش در یافتن معنای دقیق روایات است. این مهم در کاویدن معنای یکی از جملات رسول خدا (ص) در خطبه حجة الوداع نمایان گردید. در این خطبه یکی از توصیه‌های پیامبر (ص) به زنان جهت رعایت حقوق شوهران، فقره: «أَنْ لَا يُوْطِئَنَّ فُرْشَكُمْ» است.

۲- برخی از متقدمان و معاصران، مقصود حضرت از این جمله را عدم ارتکاب زنا دانسته بودند. این برداشت سطحی از روایات ناشی از ارتکاز ذهنی و عدم تتبع دقیق در فهم این کلمه مناسب با عصر صدور روایات نشأت می‌گرفت. مهمترین نقد بر چنین تبیینی ادامه روایت بود که در صورت ارتکاب چنین خطایی، به زدن غیر شدید «صَرْباً غَيْرَ مُبْرَحٍ» توصیه کرده است، در حالی که حد شرعی زنا، معین و شدید می‌باشد.

۳- اما فهم سخن پیامبر (ص) در پرتو توجه به سنن و عادات عرب، مشخص گردید و روشن شد که سخن ایشان ناظر بر سخن گفتن زنان با مردان بیگانه است که آن را ناروا نمی‌دانستند. زمانی که آیه حجاب فرود آمد، زنان در پرده حجاب قرار گرفتند و مردان از گفتگو و مجالست با زنان نهی شدند. ظاهراً نهی از سخن گفتن زن و مرد بیگانه در این روایات به شکل گفتگوهای عادی در جامعه آن روز نبوده است بلکه احتمالاً سخن گفتنی همراه با طرح دوستی و آلوده شدن به گناه بوده است.

## منابع

قرآن کریم.

آل‌غازی، ملاحویش عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.  
 آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.  
 ابن اثیر جزیری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، محقق: محمود محمد طناحی، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.  
 ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، الإصابه فی تمیز الصحابه، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۱. حدیث مزید متنی، حدیثی است که در آن کلمه یا کلماتی افزون روایت شود و معنای افزون‌تری را افاده کند و این معنای افزون از احادیث هم مضمون به دست نباید (میرداماد، ۱۴۲۲ق، ۱۶۱).

- ابن حزم أندلسی، أبو محمد علی بن أحمد، المحلی بالآثار، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت، دار العلم، ۱۹۸۸ م.
- ابن سعد، محمد بن سعد البصری، الطبقات الكبرى، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، جامع بیان العلم وفضله، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۳۹۸ ق.
- ابن فارس، أحمد، معجم المقاییس اللغة، محقق: عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، السنن، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- أبوداود، سلیمان بن أشعث سجستانی، السنن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لسان التاویل فی معانی التنزیل، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- بیهقی، أحمد بن حسین، السنن الكبرى، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ترمذی، محمد، السنن، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، دمشق، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
- خطابی، أبو سلیمان حمد بن محمد، معالم السنن، حلب، المطبعة العلمیة، ۱۳۵۱ ق.
- ذهبی، شمس الدین، تاریخ الإسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- \_\_\_\_\_، تذکرة الحفاظ، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- \_\_\_\_\_، میزان الاعتدال، تحقیق: علی محمد الجاوی، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۸۲ ق.
- رازی، محمد بن ادریس، الجرح و التعديل، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۱ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیلة و التشریح و المنهج، دمشق، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
- زمخشري، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- \_\_\_\_\_، الديراج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، المملكة العربية السعودية، دار ابن عفان للنشر و التوزيع، ۱۴۱۶ ق.
- \_\_\_\_\_، مصباح الزجاجة، کراتشی، قدیمی کتب خانه، بی تا.
- شیبانی، أحمد بن محمد، المسند، بیروت، دار صادر، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- \_\_\_\_\_، معانی الأخیار، محقق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- طباطبایي، سيد محمد حسين، الميزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

- طبري، محمد بن جرير، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دار المعرفة، ١٤١٢ق.
- طريحي، فخر الدين بن محمد، مجمع البحرين، تهران، مرتضوى، ١٣٧٥ش.
- طوسى، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
- طيبى، حسين بن عبدالله، الكاشف عن حقائق السنن، رياض، مكتبة نزار مصطفى الباز، ١٤١٧ق.
- عباد، عبدالمحسن، شرح سنن أبى داود، بى جا، بى نا، بى تا.
- عروسى حويزى، عبدعلى بن الجمعة، تفسير نورالثقلين، قم، انتشارات اسماعيليان، ١٤١٥ق.
- عظيم آبادى، محمد شمس الحق، عون المعبود، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- عياض، ابن موسى بن عياض، اكمال المعلم بفوائد كتاب مسلم، مصر، دار الوفاء، ١٤١٩ق.
- فخر رازى، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٠ق.
- فراهيدى، خليل بن أحمد، كتاب العين، قم، نشر هجرت، ١٤٠٩ق.
- فضل الله، سيدمحمدحسين، تفسير من وحى القرآن، بيروت، دارالملاك للطباعة والنشر، ١٤١٩ق.
- فيروزآبادى، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- فيض كاشانى، محسن، التفسير الصافى، تحقيق: حسين اعلمى، تهران، مكتبة الصدر، ١٤١٦ق.
- فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، قم، موسسه دار الهجرة، ١٤١٤ق.
- قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ١٣٦٤ش.
- قشيرى، مسلم بن حجاج، الصحيح، لبنان، بيروت، دار الفكر، بى تا.
- قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، مصحح: طيب موسى جزايرى، قم، دار الكتاب، ١٣٦٧ش.
- كوفى، عبدالله بن محمد بن أبى شيبة، المصنف، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩ق.
- مازرى، ابو عبدالله محمد بن على، المعلم بفوائد كتاب مسلم، تونس، الدار التونسية للنشر، ١٩٨٨م.
- مباركفورى، عبدالرحمان بن عبدالرحيم، تحفة الأخوذى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
- مجلسى، محمداقرا، مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، تهران، دارالكتب الإسلاميه، ١٤٠٤ق.
- \_\_\_\_\_، ملاذ الأخبار فى فهم تهذيب الأخبار، محقق: مهدي رجائى، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٦ق.
- مدنى، على خان بن احمد، الطراز الاول، مشهد، مؤسسة آل البيت (ع) لاحياء التراث، ١٣٨٤ش.
- مدينى، أبو موسى محمد بن عمر، المجموع المغيبي فى غريب القرآن والحديث، مکه، جامعة أم القرى، ١٤٠٨ق.
- مزى، جمال الدين يوسف، تهذيب الكمال، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦ق.
- ميرداماد، سيد محمداقرا، الرواشح السماوية، قم، دار الحديث، ١٤٢٢ق.
- نسائى، احمد بن شعيب، السنن الكبرى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.
- \_\_\_\_\_، الضعفاء والمتروكين، بيروت، انتشارات دار المعرفة، ١٤٠٦ق.
- نووى، يحيى بن شرف، شرح صحيح مسلم، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤٠٧ق.

Hibri, Aziza, *An Islamic Perspective on Domestic Violence*, Berkeley, Berkeley Electronic Press, 2003.